گزارش

نگاهی به حاشیه‌های آلبوم محسن چاوشی

ابراهیم در ارشاد

سیدمهدی موسوی‌تبار
روزنامه‌نگار

۱۷ مردادماه اگر برای خبرنگاران فراموش نشدنی باشد جای تعجب نیست. اما این روز برای محسن چاوشی هم ماندگار شد. چاوشی در روز هفدهم مرداد امسال با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود سوژه اول رسانه‌ها شد. چاوشی تهدید کرده بود اگر مجوزهای انتشار آلبوم جدیدش با عنوان «ابراهیم» تا روز ۲۰ مرداد صادر نشود، آن را به شکل غیرمجاز منتشر خواهد کرد. او در بخش‌هایی از این متن تهدیدآمیز آورده بود: «در ابتدای فعالیتم بعد از ۶ سال تلاش برای دریافت مجوز و فعالیت به صورت رسمی در چارچوب معین همیشه تلاش کرده‌ام در اصول و قوانین حالا یا موافق یا بعضا مخالف سلایق شخصی‌ام جهت احترام قدم بردارم اما حالا... نظر به پیگیری‌های مکرر تهیه کننده و مدیر اجرایی آلبوم «ابراهیم» تا این لحظه موفق به دریافت مجوز از وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی نشده‌ایم. بدیهی است که تا ۲۰ مرداد ماه مثل ۹ ماه پیش منتظر می‌مانیم در غیراین صورت با احترام تقدیم خواهد شد. شایان ذکر است آلبوم دارای کپی‌رایت بین‌المللی است و قوانین حق و حقوق مولفان و مصنفین رعایت خواهد شد.» چاوشی البته در سال‌های قبل حاشیه‌هایی با سینا سرلک بر سر تیتراژ «شهرزاد» و دارپوش مهرجویی برای فیلم «ستوری» داشته است. اما معمولا او را هنرمند بی‌حاشیه‌ای می‌دانیم. دیدن این لحن در ادبیات چاوشی شگفت‌آور بود. اما این تمام ماجرا نیست.

به‌خاطر ۵ قطعه ناچیز

یکی دو ساعت بعد از تهدید چاوشی، وزارت ارشاد پاسخ تندی به او داد. ابوالفضل صادقی‌نژاد، مدیر شورای ارزشیابی و نظارت دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره این مساله و حواشی به‌وجود آمده، در گفت‌وگو با «مهر» عنوان کرد: «پس از ثبت آلبوم «ابراهیم» طبق روال اداری و قانونی روز ۱۸ مرداد این آثار را به شورای شعر و ترانه دفتر موسیقی ارسال کردیم که پس از بررسی دو قطعه تایید و پنج قطعه نیز اصلاحیه خورد.» صادقی‌نژاد در ادامه افزود: «ما پس از اعلام این موضوع به موسسه ارسال کننده آلبوم، تا کنون هیچ اقدامی برای اصلاحیه موارد یادشده انجام نگرفته، بنابراین اگر ۹۰ ماه هم این موضوع از سوی موسسه تولیدکننده آلبوم راکد بماند، دفتر موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوزی به این آلبوم نمی‌دهد. زیرا پرونده هنوز به‌طور کامل تایید نشده است.» محمدعلی بهمنی هم به جزئیات ایرادات شورای شعر اشاره‌ای نکرد و تاکید ارشاد بر قانون گرایی، نشان از عمیق بودن این اختلافات دارد. آلبوم‌های متعدد موسیقی برای دریافت مجوز به ارشاد می‌روند و در نوبت قرار می‌گیرند و در نهایت هم منتشر می‌شوند. اما حکایت «ابراهیم» چیست؟

حسینی: پروسه «ابراهیم» با سایر آلبوم‌ها فرق دارد

سیدهادی حسینی، تهیه کننده آلبوم «ابراهیم» است. حسینی، بارزداده سیدمحمد حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد دولت احمدی‌نژاد است که پیش از این تهیه کنندگی آلبوم «امیر یی کرند» را برعهده داشت. حسینی پیش از این نیز در برخی پروژه‌های فرهنگی در بهشت پرده حضور داشته و سرمایه‌گذاری کرده است. حسینی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» با بیان اینکه هر اتفاقی بیفتد «ابراهیم» در بیستم و بیست‌ویکم مرداد منتشر نمی‌شود، افزود: «قرار است با ارشاد جلسه مهمی برگزار کنیم و در آن جلسه تکلیف این آلبوم روشن می‌شود اما آنچه مسلم است اینکه این آلبوم برای انتشار هنوز آماده نیست.» حسینی در پاسخ به اینکه آیا به‌عنوان بارزداده وزیر دولت احمدی‌نژاد قصد جنجال‌سازی برای دولت روحانی را دارد، گفت: «چرا باید این کار را بکنم؟ چه سودی از این جنجال می‌برم؟ منفعت من این است که سرمایه‌ام بعد از گذشت دو سال، برگردد. من سیاسی نیستم و حتی بعید می‌دانم که از ارشاد کسی مرا به‌عنوان بارزداده وزیر اسبق فرهنگ بشناسد.»

حسینی به تمعیض ارشاد در برخورد با آلبوم‌های موسیقی اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد: «متاسفانه شورای شعر به دیگران در روزه جواب می‌دهد و برای ما شرایط دیگری در نظر می‌گیرد. پروسه این آلبوم با آلبوم‌های دیگر فرق دارد. نمی‌دانم مشکل آنها با چاوشی است یا با من؟ احساس می‌کنم با چاوشی مشکل دارند.» حسینی در پایان اعلام کرد: «نسبت به صدور مجوز با تمام این حرف‌ها خوش‌بین هستیم و امیدواریم که بتوانیم به‌زودی این آلبوم را منتشر کنیم.

ارشاد چه می‌گوید؟

دفتر ادارکل موسیقی دفتر حرکت اعتراضی چاوشی می‌گوید: «جالب است که تهیه کننده و خواننده آلبوم مورد بحث تاکنون هیچ عکس‌العملی به این اصلاحیات نداشتند و بدون هیچ مراجعه یا اعلام اعتراض، تنها و تنها در صفحه اینستاگرام مطالبی همراه با تهدید و گلایه منتشر شده است.» ترابی، مدیرکل این دفتر می‌گوید مصاحبه نمی‌کنم و حرف‌ها زده شده است، اما یکی از مدیران موسیقی که مایل نبود نامش منتشر شود درباره حرکت چاوشی می‌گوید: «چاوشی برای خودش جایگاهی را متصور کرده است و به دلیل همین تصور نمی‌خواهد تن به قانون بدهد.» حالا منتظر می‌مانیم تا جلسه ارشاد و تهیه کننده آلبوم موسیقی «ابراهیم» برگزار شود و قانون گرایی محسن چاوشی و تهیه کننده ثابت شود و طرفداران او نیز بتوانند اثر تازه‌ای را بشنوند.

عاطفه جعفری
روزنامه‌نگار

فکر کنید صبح از خواب بیدار می‌شوید و بیرون می‌روید، طبق معمول می‌خواهید به کتابفروشی مورد علاقه‌تان سر بزنید اما به یک‌باره می‌بینید جای کتابفروشی مورد علاقه‌تان یک کبابی یا یک ساندویچی دایر شده و دیگر از آن همه کتاب خبری نیست. تعطیلی کتابفروشی‌ها دیگر به یک رویه تبدیل شده است، تعجب نخواهیم کرد که اگر یک روز ببینیم همه کتابفروشی‌ها تعطیل شده و دیگر در شهرمان هیچ کتابفروشی‌ای وجود ندارد. طبق آماری که سال گذشته از سوی موسسه خانه کتاب اعلام شد، در حال حاضر ۶ هزار کتابفروشی در سطح کشور مشغول فعالیت هستند. از این تعداد نیمی از آنها را لوازم‌التحریر فروشی‌ها تشکیل می‌دهند. هزار کتابفروشی هم کتاب درسی و کمک‌درسی می‌فروشند. چیزی که باقی می‌ماند، دو هزار کتابفروشی است که هزار و ۴۰۰ تای آن در تهران و ۶۰۰ کتابفروشی دیگر نیز در شهرستان دایر هستند. از این میان ۲۰۰ کتابفروشی در خطر جدی تعطیلی قرار دارند و بقیه هم با مشکلات فراوان مواجه‌اند و خودشان را به زور سرپا نگه داشته‌اند. البته با توجه به اینکه این آمار برای سال گذشته است، مطمئنا الان این آمار و تعطیلی‌ها بیشتر شده و در همین یک ماه اخیر چند کتابفروشی در شهر تهران تعطیل شده است؛ در شهرستان‌ها که دیگر این آمار بیشتر است. در این گزارش به کتابفروشی‌هایی پرداختیم که از سال ۸۹ تا به امروز تعطیل شده‌اند و این تعطیلی‌ها علل مختلفی داشته است از مالیات دادن تا تغییر شغل و گرانی کاغذ و...

کتابفروشی نشر نی

سال ۸۹ کتابفروشی‌شان را تعطیل کردند. با توجه به گرانی کاغذ که آن سال‌ها تازه داشت اتفاق می‌افتاد، دیگر برای شان سودی نداشت که همزمان کتابفروشی را هم داشته باشند. برای همین این کتابفروشی قدیمی که در خیابان کریمخان قرار داشت برای همیشه تعطیل شد. این کتابفروشی یکی از کتابفروشی‌های معروف پایتخت بود که به‌عنوان محل رجوع علاقه‌مندان حوزه ادب شناخته می‌شد. الان به‌جای کتابفروشی نشر نی، کافه‌ای در همان محل به راه افتاده است. نشر نی، در سال ۱۳۶۳ به همت جعفر همایی پدید آمد و یکی از ناشران معتبر در ایران به‌شمار می‌آید. اکثر آثار این ناشر محدود می‌شوند به کتاب‌هایی در حوزه فلسفه، علوم اجتماعی و ادبیات. هر چند کتاب‌هایی در زمینه علوم طبیعی، ریاضیات و... را نیز چاپ کرده است. کتابفروشی این ناشر سابق بر این در خیابان کریمخان زند در کنار کتابفروشی نشر چشمه واقع بود. بعد از تعطیلی کتابفروشی «نی»، گزارش‌های فراوانی درباره وضع وخیم کتابفروشی‌ها منتشر شد اما «نی» دیگر به کریمخان بازنگشت. هرچند هرگز دلیلی از سوی ناشر مبنی بر تعطیلی کتابفروشی اعلام نشد اما گمانه‌زنی‌ها به این سمت‌وسوقت که مسائل مالی موجبات این شرایط را فراهم آورده است.

کتابفروشی طهوری

سال ۹۴، زمزمه تعطیل شدنش به گوش رسید، سیدا حمدرضا طهوری می‌گوید: «اینجا، همه زندگی من است. نمی‌دانم روزی که سند واگذاری‌اش را امضا کنم تا صبح فردایش زنده‌می‌مانم‌ومی‌توانم این دوری را تحمل کنم‌یانه.» داستان تاسیس کتابفروشی طهوری جالب است، زمانی که عبدالغفار طهوری از خاخلال راهی تهران شد، تا روزگار بهتری را سازد، خوش هم می‌داست که پشت میز نشینی و حقوق کارمندی به مذاقش خوش نخواهد آمد. سال ۱۳۲۳ بود. به‌واسطه یکی از اقوام در یکی از ادارات دولتی مشغول به کار شد ولی وسوسه کتاب‌ها رهایش نمی‌کرد. دست آخر هم کار اداری را رها کرد تا دستفروش کتاب شود. چندی بعد شاگرد کتابخانه دانش شد و سرانجام خودش را به رویه‌روی دانشگاه تهران رساند تا کتابفروشی طهوری را راه بیندازد. همین خیابان انقلاب فعلی. آن زمان تنها سه کتابفروشی در این راسته فعال بودند و کتابفروشی طهوری، چهارمین کتابفروشی رویه‌روی دانشگاه شد. سال ۱۳۳۲ عبدالغفار طهوری نخستین کتابش را منتشر می‌کند: «تذکرة‌الملوک». او در طول عمر کاری‌اش هرگز قیمت کتاب را تغییر نداد و کتاب‌ها را با همان قیمتی که در چاپ اول منتشر کرده بود، تجدید چاپ می‌کرد. احمدرضا طهوری در مصاحبه‌ای گفته که پدرش به کتاب‌هاش دل‌وروانگاه می‌کرد. وی افزود: «او معتقد بود کتاب مانند دارو است که اگر اشتباه به مخاطب داده شود، باعث بیماری خواهد شد.»

اما سیداحمدرضا طهوری از سال ۱۳۷۴ مسئولیت انتشارات و کتابفروشی طهوری سابقه‌دار اعلام کنم. محل فعلی کتابفروشی رود به منظور تجهیز و ارتقا فروخته شد، اما بارشد ناگهانی و انفجاری قیمت‌ها متاسفانه دیگر قادر به تهیه مکان مناسب برای کتابفروشی نیستیم. در ۲۰ سال گذشته افتخار آن را داشتیم که انتخاب بسیاری از اهل قلم و عاشقان کتاب بوده‌ایم. ۲۰ سال حمایت شما عزیزان، تکیه گاه ما بود، اما دیگر بدون تسهیلات و تامین مالی از طرف نهادهای مربوطه قادر به ادامه راه نیستیم. از این طریق بنده و مجموعه کتابفروشی نشر رود مراتب سپاسگزاری و قدردانی خود را به اطلاع تمامی عزیزان اهل قلم و علاقه‌مندان کتاب می‌رسانیم.»

کتابفروشی نشر رود

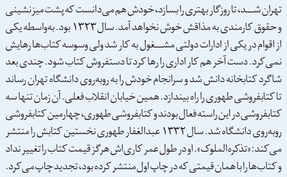

کتابفروشی رود فرخندت تا جای بزرگ‌تری را بخرند، استقبال از کتاب‌های شان بد نبود اما به یک‌باره با افزایش گرانی و حالا با پولی که با فروش کتابفروشی به دست آورده بودند، نمی‌توانستند جای دیگری را بخرند. اطلاعیه‌ای را برای شیشه تکیه کتابفروشی زدند و با مخاطبان‌شان خداحافظی کردند. «متاسفانه برخلاف میل باطنی ما لازم است خدمت همه دوستان و عزیزان کتاب‌خوان، تعطیلی کتابفروش رود با ۲۰ سال

فرهنگ

۱۱ کتابفروشی مشهور که مشکلات اقتصادی آنها را تعطیل کرد

کافه و کباب جای کتاب

ابرعهده داشته است. او با خودش عهد کرده بود هر جا که نتوانست ادامه دهد این کار را منحل کند تا نام و خاطره پدرش خراب نشود و ظاهرا حالا، آن زمان فرا رسیده است. بیش از ۵۰ سال است که کتابفروشی طهوری در خیابان انقلاب چراغش روشن است. کتابفروشی که در ذهن و خاطره همه کتاب‌دوستان ثبت شده و هیچ علاقه‌مند و کتابخوان حرفه‌ای نیست کمتری به کتابفروشی طهوری نزده باشد. حالا آقای طهوری (ناجایی ‌حرف‌می‌زند. از اینکه نمی‌تواند پس مخارج فروشگاهش برپایید و حالا پس از ۵۲ سال، باید با کتابفروشی‌اش خداحافظی کند. شهرداری در همان سال از این کتابفروشی یک میلیون و هشتصد هزار تومان عوارض خواسته است. جدای از این کتابفروشی طهوری امسال باید هشت‌ونیم میلیون تومان مالیات هم بدهد آن هم با بابت کتاب‌هایی که برای فروش تک‌تک‌شان باید خون دل خورد. زمانی که کتابفروشی طهوری در خیابان انقلاب دایر شد، تنها سه کتابفروشی دیگر در این خیابان مشغول فعالیت بودند. اما حالا...

کتابفروشی مثلث

سال ۹۴ برای حوزه شهر حال خوبی نبود، این کتابفروشی کوچک و جمع‌وجور که از آن می‌توان به‌عنوان یک کتابفروشی محلی نام برد، از سال ۱۳۸۹ در خیابان دربند تهران راه‌اندازی شد. اوایل کار به گفته لیلا هدایت‌پور، صاحب این کتابفروشی اوضاع خوب بود و امید به آینده زیاد، اما هرچه کار جلوتر رفت، مشکلات بیشتر شد، فروش راضی کننده نبود و چرخ کسب‌وکار نمی‌چرخید. کار به گرفتن وام کشید و سود ۲۸ درصد تا شاید دردی دوا شود، اما وقتی رقم بدهی‌ها به ۴۰ میلیون تومان رسید، هدایت‌پور متوجه شد که دیگر نمی‌تواند با این وضعیت به کارش ادامه بدهد. همه اینها یک طرف و مالیاتی که باید این کتابفروشی می‌داد، طرف دیگر. وی افزود: «ما حدود هشت میلیون تومان تا به حال پول برای مالیات داده‌ایم، آن هم برای این کتابفروشی کوچک. خنده‌دار است، نه؟» هدایت‌پور می‌گوید: «مثلا کتابفروشی طهوری که تعطیل شد، خیلی‌ها تصمیم گرفتند برای حمایت از این ناشر و کتابفروش یک روز به کتابفروشی طهوری سر بزنند و کتاب بخرند، اما یا یک روز خرید مشکل این کتابفروشی در طول یک سال حل می‌شود؟»

کتابفروشی آسیا

کتابفروشی انتشارات آسیا از بازماندگان کتابفروشی‌های خیابان «شاه‌آباد» بود، بازمانده از کتابفروشی‌هایی که از محدوده بازار و خیابان ناصرخسرو به این محل نقل مکان کرده‌اند. این مهاجرت البته استمرار نیافت و بعد در بخش قلیلی توجهی از کتابفروشی‌ها و انتشاراتی‌های شاه‌آباد به راسته انقلاب (مقابل دانشگاه تهران) نقل مکان کردند و باقی ماجرا... نکته قابل توجه آن است که «انتشارات آسیا» حتی آن زمان که کسب‌وکار کتابفروشان در شاه‌آباد کساد شده بود، از یا نیفتاد و قوت خود را داشت. حتی خفقان‌های سیاسی در دوره پهلوی هم این کتابفروشی را از پا درنیاورد و حالا بعد از گذشت نزدیک به چهار دهه، فشارهای اقتصادی میراث‌دار این نشر و کتابفروشی را به صرافت تغییر کاربری انداخته است. محمود عطایی، فعالیت انتشارات آسیا را از سال ۱۳۴۹ در بازار تهران آغاز کرد. مرحوم عطایی شعبه دوم این انتشارات را در سال ۱۳۴۳ در خیابان جمهوری (شاه‌آباد سابق) بنا نهاد و در حال حاضر شهرام عطایی مدیریت آن را برعهده دارد. شهرام عطایی؛ مدیرمسئول انتشارات آسیا در باره وضعیت فعالیت این کتابفروشی می‌گوید: «کتابفروشی انتشارات آسیا تا قبل از اینکه تبدیل به اغذیه فروشی شود، به‌صورت مشارکتی اداره می‌شد اما با توجه به نظر شریکم که از کتابفروشی سهم داشت، بنا شد که کتابفروشی به اغذیه فروشی تبدیل شود.» مدیر انتشارات آسیا دلیل اصلی تعطیلی کتابفروشی این نشر و تبدیل شدن آن به اغذیه فروشی را مشکلات مالی و نداشتن سود کافی در امر کتابفروشی عنوان کرد و در توضیح این موضوع گفت: «کتابفروشی دیگر برای ما نه صرفه اقتصادی نداشت و درنهایت آن را به شریک خود واگذار کرده‌ام و او هم تصمیم به تغییر کاربری گرفت. «عطایی همچنین با انتقاد به فرهنگ خرید کتاب و کتاب‌خوانی در جامعه گفت: «خرید کتاب در میان مردم آنچنان که باید جا نیفتاده است. سیاستگذاری‌های اشتباه و قیمت بالای کاغذ هم باعث شده تا کتاب کالای گرانی باشد و افراد به خرید کتاب رغبتی نشان ندهند. «مدیر انتشارات آسیا ادامه داد: «وقتی فردی بتواند به‌راحتی به نسخه غیرمجاز الکترونیکی کتاب دسترسی داشته باشد یا نسخه چاپی تقلبی آن را با قیمت بسیار پایین‌تری تهیه کند، طبیعتا فروش کتاب کاهش چشمگیری پیدا می‌کند. سرگرم شدن مردم با فضای مجازی یکی دیگر از عوامل کاهش خرید کتاب از سوی آنهاست. در حال حاضر خریدن کتاب، منحصر به کتاب‌های درسی یا برخی کتاب‌ها مانند شاهنامه و سعدی شده است.»

کتابفروشی ویستا

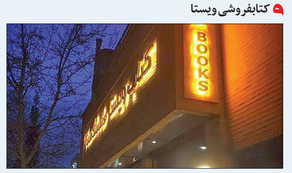

نصرا... کسرائیان، کتابفروشی‌اش را در سال ۹۵ تعطیل کرد؛ کتابفروشی‌ای که در غرب تهران تاسیس شد اما نتوانست به‌حیات خود ادامه دهد. کسرائیان در یادداشتی اعتراض‌اش را به مسئولان رساند. یادداشتی که در فضای مجازی با خورده‌های زیادی داشت؛ «از گذشته‌های دور با «تبلیغات» مساله داشتم. همیشه فکر کرده‌ام گرچه یکی از هدف‌های آن معرفی یک چیز است، اما خیر از چیزهای دیگر هم می‌دهد. مثلا وقتی می‌بینم که در مورد معنویت، دین‌مداری، عفت عمومی و پایبندی به اصول اخلاقی از بلندگوهای بزرگ استفاده می‌کنند، احساس می‌کنم معنای این است که وضع خراب است و احتمالا اینها به پایین‌ترین سطح ممکن سقوط کرده‌اند؛ یا حتی برای خریدبک کالا مورد بمباران تبلیغاتی قرار می‌گیرم، فکر می‌کنم که می‌خواهند سرم کلاه بگذارند. این حساسیت در حدی است که وقتی نمایشگاهی برگزار می‌کنم به کسی که کسی اطلاع نمی‌دهم.

یک دوماه پیش نمایشگاهی داشتم و به هیچ یک از دوستانم خبر ندادم. دو، سه دوستی که خبردار شده و آمده بودند گفتند چرا خبر ندادی؟ گفتم برگزار کننده خودش به‌اندازه کافی تبلیغ کرده‌بود. گفتند دیگران کارتمی فرستند، تلفن می‌زنند، ایمیل می‌فرستند و به طرق مختلف یادآوری می‌کنند. گفتم علاقه‌ای به این کارها ندارم و فکر می‌کنم یک جور در محدوریت اخلاقی قرار دادن دیگران است؛ مردم کار دارند، گرفتار هستند، ترافیک اعصاب خرد می‌کند، خود من اغلب به همین دلایل خبر نمی‌رم. گفتند در صفحه‌فیس‌بوک اعلام می‌کردی، گفتم آن صفحه را به‌دلایل دیگری راه انداختم؛ مهم‌ترینش غیرقابل جاپ اعلام کردن کتابی که ترجمه کرده‌بودم از طرف مراجع دیگری صلاح بود این کنجکاوی که ببینم در دنیای مجازی چه می‌گذرد. گفتند به هر حال تبلیغ یک چیز است و اطلاع‌رسانی چیز دیگر و بعضی وقت‌ها لازم است. دیدم بی‌راه نمی‌گویند؛ من هنوز سعی می‌کنم بدانم دیگر.

بدین وسیله به اطلاع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت دارایی، سازمان تامین اجتماعی، شهرداری، ادارات برق، گاز، تلفن، اتحادیه ناشران و کتابفروشان، هم‌محله‌ای‌ها، مجله وزین جهان کتاب، رسانه‌های مجازی و آن دو آقایی که یکی دو روز پس از افتتاح کتابفروشی، طی گفت‌وگویی بسیار محترمانه در زیرزمین کتابفروشی اطمینان حاصل کردند که مراسم روضه‌ایی و این جور چیزها برگزار نمی‌کنیم، می‌رساند که «کتاب وبستا» واقع در خیابان سوم سعادت‌آباد، از تاریخ ۱۵ آذر ۱۳۹۵ تعطیل شده است. نه از آنها که نیامدند گله داریم و نه از آنها که کتاب نمی‌خوانند. از آنها هم گله آمدند و به اشکال مختلف کمک‌مان کردند، سپاسگزاریم. چند سال سوسیید دادیم و تلاش کردیم سر پا نگه داریم، نشد؛ تصمیم برای تعطیل کردنش، تصمیمی دشوار بود، به‌ویژه برای همسرم که تا آخرین لحظه، برای بازنگه داشتنش اصرار داشت.»

کتابفروشی مهرگان

«در این شغل به بن‌بست رسیده‌ایم. زیرا در این صنعت کسی به ما بها نمی‌دهد و رکود حاکم بر بازار در کنار کپی‌رایت، فروش «پی‌دی‌اف» و کتاب‌های فتوکپی شده، شکستن قیمت‌ها توسط دیگر همکاران که باعث ایجاد فضای رقابتی نابسامانی شده، دست به دست هم داده تا ما تصمیم بگیریم بعد از سال‌ها کار در این صنف، تغییر شغل دهیم.» آن هم شغلی که پدر و پدربزرگم نیز بدان اشتغال داشته‌اند.»

کتابفروشی‌شان در بازار اصفهان، ۲۷ سال سابقه دارد؛ اما مجبور شدند در سال ۹۱ آن را تعطیل کنند. کوشا فتاحی، قانونمند نبودن رابطه ناشر و کتابفروش را نیز از مشکلات این بخش می‌داند و می‌گوید: «در دنیا، کتاب با ۳۳ درصد تخفیف به کتابفروش داده می‌شود، اما ما نهایتا ۲۰ درصد تخفیف می‌گیریم یا اگر سه کتاب از ناشر بخرید یک کتاب متعلق به فروشنده خواهد بود که برای ما این تناسب یک به پنج است و این حوزه واقعا نیازمند قانون‌مند شدن است.»

کتابفروشی بین‌الملل اهواز

از کتاب‌های رمان، داستان، شعر و... گرفته تا کتاب‌های درسی و لوازم‌التحریر در این کتابفروشی در خیابان ۳۰ متری سینما سعدی با عنوان پانوق کتاب در دو طبقه راه‌اندازی شد. کتابفروشی گسترش فرهنگ که در فضایی بزرگ و مملو از کتاب‌های حوزه‌های مختلف از سال ۱۳۱۵ بخشی از خاطرات کتابخوان‌ها و حتی کتابفروش‌های کنونی را می‌ساخت در حالی از چرخه کتابفروشی‌های شهر اهواز بیرون رفته که بیشتر نیز با گسترش کارگاه‌های قطار شهری شیراز و جدا رتعطیلی ناخواسته شد و بار دیگر کهروق کتاب‌خوان‌ها در این نقطه از شهر، به کلی این کتابفروشی را دچار کسادی مفرط کرد. با اینکه قلب تپنده کتاب و نشر از سال‌ها پیش همواره پیرامون خیابان کریمخان زند و کوچه دهنادی که بیشتر پانوق‌های مالک کتاب‌های دست دوم است، قرار داد اما در رهبین خیابان نیز روزگاری کتابفروشی انتشارات کیهان، به فاصله کمی از خیابان رودکی که مرکز تجمع کتابفروشی‌های حوزه نشر هنر است، واقع شده که کرکره فراغی اش نیز سال‌ها پایین کشیده شده و تنها تابلویی از آن به‌جا مانده است. این کتابفروشی در سال ۱۳۲۷ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان قدیمی‌ترین و فعال‌ترین کتابفروشی کشور شناخته شد.

کتابفروشی رشد اهواز

کتابفروشی رشد اهواز با نزدیک به دو دهه فعالیت فرهنگی در راه نشر و گسترش فرهنگ کتابخوانی و یاد دهنده‌ا نفر پرسنل، به‌دلیل الزام برای پرداخت مالیات یک‌هزار و ۳۰۰ درصدی در سال ۹۱ در آستانه تعطیلی و اخراج کارکنان خود قرار گرفت. مجتبی گهستونی، مدیر این کتابفروشی همان سال اعلام کرد: «اجبار برای پرداخت مالیات یک‌هزار و ۳۰۰ درصدی برای کتابفروشی رشد و مسدود کردن تمامی حساب‌های بانکی این کتابفروشی به مدت دو هفته و درنهایت دریافت ضمانت و سند در حالی اتفاق افتاده که براساس قانون و مقررات جاری کشور مبنی بر فعالیت‌هایی که مشمول معافیت موضوع بند «ل» ماده ۱۳۹ قانون مالیات‌های مستقیم (مصوب ۱۳۸۰) می‌شوند تمامی کتابفروشان و ناشران از پرداخت مالیات معاف هستند که این مهم به تایید و تاکید دولت‌های هشتم، نهم و دهم نیز رسیده است و حتی کتابفروشان نیز در فروردین ماه سال ۱۳۹۱ با تایید و تاکید دوباره و با ابلاغ مستقیم رئیس جمهور از مالیات معاف شده‌اند. در حالی که بارها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر معاف بودن تمامی کتابفروشان از مالیات تاکید و اعلام کرده که اگر هنگام مراجعه کتابفروشان به اداره مالیات، مساله‌ای پیش بیاید موضوع را پیگیری خواهد کرد. این‌ها نیز نیز در یک مورد کاملا بی‌نظیر علاوه‌بر اینکه اتحادیه ناشران را متاسر کرده، وزارت فرهنگ و ارشاد را به‌خاطر مالیات سنگینی که امور مالیاتی برای کتابفروشی رشد وضع کرده، مجبور به واکنش کرده است. در حالی که معافیت مالیاتی از سوی مجلس شورای اسلامی، هیات دولت و درنهایت وزارت فرهنگ و ارشاد تصویب و ابلاغ شده و دولت فعلی همواره خود را دولتی فرهنگی می‌داند، اما سازمان امور مالیاتی کشور اینچنین قانونی را در حد یک بخشنامه تضعیف می‌کند که پیش‌تر دکتر حسینی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نامه‌ای به محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهور به اجرا در نیامدن معافیت مالیاتی مصوب دولت را متذکر شده و از سلیقه‌ای عمل کردن و برداشت غیرقانونی از این قانون انتقاد کرده و خواستار روشن شدن وضع موجود و پایان دادن به شرایطی شده که موجب نارضایتی اهالی فرهنگ و هنر شده است. حال که مدت مدیدی از اخطارهای متعدد امور مالیاتی به کتابفروشی رشد گذشته و پیش‌تر تمامی حساب‌های بانکی این کتابفروشی را مسدود کرده و ضمانت مالی دریافت کرده است، کمترین همکاری با کتابفروشی رشد برای حل این مشکل صورت نگرفته است. همچنین روزبه‌روز شرایط برای ادامه کار کتابفروشی مورد نظر سخت‌تر و پیش‌بینی می‌شود که با مراجعه طلبکاران و حتی ارسال اخطاریه‌هایی از موسسات انتشاراتی که مطالبات معوقه و وصول نشده از کتابفروشی رشد دارند، دیگر رمقی برای ادامه کار وجود نخواهد داشت.»

مرکز گسترش فرهنگ شیراز

مرکز گسترش فرهنگ که سال‌ها رویه‌روی دانشکده پزشکی شیراز، جنب شرکت شهرک‌های صنعتی فارس، به نشر فرهنگ مشغول بود نیمه‌های سال ۹۲ خبر تعطیلی‌اش در عین ناباوری وقتی به گوش رسید که یکی از کافه کتاب‌های نوپای شیراز در خیابان ۳۰ متری سینما سعدی با عنوان پانوق کتاب در دو طبقه راه‌اندازی شد. کتابفروشی گسترش فرهنگ که در فضایی بزرگ و مملو از کتاب‌های درسی و لوازم‌التحریر از سال ۱۳۱۵ بخشی از خاطرات کتابخوان‌ها و حتی کتابفروش‌های کنونی را می‌ساخت در حالی از چرخه کتابفروشی‌های شهر اهواز بیرون رفته که بیشتر نیز با گسترش کارگاه‌های قطار شهری شیراز و جدا رتعطیلی ناخواسته شد و بار دیگر کهروق کتاب‌خوان‌ها در این نقطه از شهر، به کلی این کتابفروشی را دچار کسادی مفرط کرد. با اینکه قلب تپنده کتاب و نشر از سال‌ها پیش همواره پیرامون خیابان کریمخان زند و کوچه دهنادی که بیشتر پانوق‌های مالک کتاب‌های دست دوم است، قرار داد اما در رهبین خیابان نیز روزگاری کتابفروشی انتشارات کیهان، به فاصله کمی از خیابان رودکی که مرکز تجمع کتابفروشی‌های حوزه نشر هنر است، واقع شده که کرکره فراغی اش نیز سال‌ها پایین کشیده شده و تنها تابلویی از آن به‌جا مانده است. این کتابفروشی در سال ۱۳۲۷ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان قدیمی‌ترین و فعال‌ترین کتابفروشی کشور شناخته شد.

یادداشت

تئاتر شهر بی‌حریم و نمایش‌های بی‌مخاطب

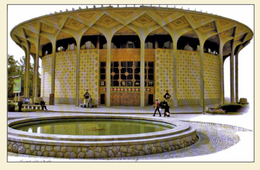

احسان زیورعالم
روزنامه‌نگار

بحث بر سر حریم تئاترشهر همیشه مطرح بوده است. اگر نگاهی به تصاویر دهه ۶۰ تئاتر شهر بیندازید، درخواهید یافت روزگاری در اطراف این سازه مدور، نرده‌های فلزی قرار داشته تا نتن پر در این سازه هنری را از فضای پارک و چهاراه ولیعصر جدا کند و به نوعی مسائل حراست و حفاظتی اش مستقل از محیط پیرامونش دنبال می‌شد. در زمان حضور حسین پاکدل اما قرار بود به جای حفاظ فلزی بی‌رنگ و رو، با رویکردی هنری و برآمده از هنرهای تجسمی، حفاظی هنرمندانه به دور تئاترشهر شکل بگیرد، حصاری که هیچ‌گاه ساخته نشد و در عوض همان حصار فلزی برچیده شد تا تئاترشهر وصله‌ای بدل به بخشی از پارک دانشجو شود. پارکی که همواره آبستن رویدادها و اتفاقات ناگوار اجتماعی است. افرادی که محدوده تئاترشهر و اطرافش را می‌شناسند، می‌دانند صندلی‌های بتونی تئاتر شهر، گاهی محل نشستن کسانی می‌شود که هیچ ارتباطی با فضای فرهنگی این مجموعه ندارند؛ از ساقیان مواد مخدر گرفته تا... حتی در زمان دستگیری عوامل داعش مشخص می‌شود که محل حضور تیم تروریستی برای انجام عملیات تروریستی شان جایی نیست جز تئاترشهر چراکه چهاراه ولیعصر و فضای اطرافش، پرتردد‌ترین مکان شهر تهران به حساب می‌آید.

در همان زمان، با مطرح شدن رابطه تئاترشهر و مساله حضور داعش در تهران، خبرنگاران و فعالان تئاتری بار دیگر داستان حریم تئاترشهر را پیش کشیدند. حریمی که به واسطه حضور بی‌حساب دستفروشان نیز تصویری فاجعه‌بار به خود گرفته است. با این حال هیچ مسئولی درباره وضعیت اطراف شهر پاسخگو نبود تا جایی که مرضیه برومند که در آن زمان جشنواره شانزدهم عروسکی را در پیش داشت، از وضعیت اطراف تئاترشهر به‌شدت گلایه می‌کند و از ناامنی بر عدم حضور خانواده‌ها می‌داند. وضعیت زمانی حادمی‌شود که اتفاقات دی‌ماه ۹۶ روی می‌دهد و با اینکه چند نمایش قابل توجه در سالن‌های پنج‌گانه تئاترشهر اجرا می‌شود؛ اما شرایط برای اجرا سخت می‌شود. فضای مجموعه تئاترشهر به واسطه اغتشاشات به بخشی از فضای متشنج شهر بدل می‌شود و نیروهای امنیتی مجبور به عقب کشیدن تله‌دوارهای تئاترشهر می‌شوند. این مساله موجب تعطیلی تئاترشهر می‌شود؛ چراکه مخاطب نمی‌تواند به واسطه حلقه امنیتی وارد این مجموعه فرهنگی و ه